

محمود زند مقدم



در آمدی بر تاریخ بلوچستان

از آغاز تا برآمدنِ پهلوی



درآمدی بر تاریخ بلوچستان



د پژوهش‌های ایران فرهنگی، ۱۶

درآمدی بر تاریخ بلوچستان

از آغاز تا برآمدن پهلوی

محمود زند مقدم



آبی پارس
پله نبروه

« پژوهش‌های ایران فرهنگی » ۱۶

دبیر: محسن شهرنازدار

این کتاب با حمایت سازمان
منطقه آزاد چابهار منتشر شده
است.



سرشناسه:	زند مقدم، محمود، ۱۳۱۷ -	موضوع:	Baluchistan -- History
عنوان و نام پدیدآور:	درآمدی بر تاریخ بلوچستان/ محمود زند مقدم؛	شناسه افزوده:	شهرنازدار، محسن، ۱۳۵۶ -، مقدمه‌نویس
مشخصات نشر:	تهران: موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه، ۱۴۰۰.	رده بندی کنگره:	DSR۲۰۰۳
مشخصات ظاهری:	۷+۲۰۳ ص؛ ۲۱×۱۴ س.م.	رده بندی دیویی:	۷۲/۹۵۵
فروسته:	پژوهش‌های ایران فرهنگی؛ ۱۶.	شماره کتابشناسی ملی:	۸۴۱۴۸۰۶
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۱۷-۷	اطلاعات رکورد:	فیا
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا	کتابشناسی:	
موضوع:	بلوچستان -- تاریخ		

درآمدی بر تاریخ بلوچستان

از آغاز تا برآمدن پهلوی

محمود زند مقدم

موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه

چاپ یکم:	۱۴۰۰
شمارگان:	۷۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۱۷-۷
آماده‌سازی فنی:	موسسه آبی پارس
نسخه‌برداری:	فاطمه حجاری‌زاده
صفحه‌آرایی:	سپیده کیانی
طرح جلد:	آتلیه آبی پارس

تصویر روی جلد: نمایی از رودخانه سرباز در اواخر دهه
شصت و اوایل دهه هفتاد میلادی.
عکاس احتمالاً برآیان اسپونر بوده است.

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بوستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول/کدپستی: ۱۶۶۴۶۵۱۱۱/تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸/وبسایت: pbminstitute.ir

پژوهش این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

این وجیزه پیشکش به محسن شهرنازدار
و آقا عمو، که قدم به قدم در این تنهایی
همدمم بود.

آخر چو فسانه می‌شوی ای بخرد
افسانه نیک شو نه افسانه بد

فهرست

۹	سخن ناشر
۱۵	یادداشت دبیر مجموعه
۲۷	به جای مقدمه
۲۹	درآمد

نگاهی به تاریخ

۳۵	بلوچستان پیش از اسلام
۴۷	از اسلام تا یورش مغول
۶۳	ظهور میرچاکر رند و وحدت قوم بلوچ
۷۱	از اواخر عهد صفوی تا پایان زندیه
۷۷	بلوچستان عهد قاجار
۹۳	از خط تلگراف بریتانیا تا برآمدن پهلوی

حاصل نگاه

۱۱۱	مهاجرت
۱۲۵	مناطق اسکان، راه‌ها
۱۴۵	غارت
۱۸۹	فهرست منابع
۱۹۳	نمایه

سخن ناشر

مؤسسه آبی پارسی برای جبران کمبود منابع پژوهشی در خصوص معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی بلوچستان، بخش نخست مجموعه کتب «پژوهش‌های ایران فرهنگی» را به انتشار بیش از بیست عنوان کتاب شامل تألیف، ترجمه، استنساخ و گردآوری منابع مهم و بنیادین درباره این منطقه از ایران اختصاص داده است. دبیر این مجموعه سترگ آقای محسن شهرنازدار پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و مطالعات قومی هستند که در طی دو دهه گذشته موضوع بلوچستان را از خلال پژوهش‌های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای دنبال کرده‌اند و عهده‌دار این مسئولیت مهم شده‌اند. ایشان از اواسط دهه هشتاد، در صدد انجام این پروژه و نیز تدوین دانشنامه فرهنگ و جغرافیای بلوچستان بوده‌اند. برخی عناوین و شرح مجلدهای این مجموعه در بخش‌های مختلف عبارت‌اند از:

مطالعات تاریخی و فرهنگ‌شناختی:

بلوچستان در دانشنامه ایرانیکا: زیر نظر دبیر مجموعه، علاوه بر ترجمه نه مدخل مرتبط به تاریخ و فرهنگ بلوچستان از دانشنامه ایرانیکا، شامل تکمله‌هایی تألیفی بر هر مدخل است که توسط افراد متخصص در موضوع همان مدخل نوشته شده و کاستی‌های اطلاعات مداخل ایرانیکا را کامل می‌کند و یا اطلاعات تازه‌ای

به آن می‌افزاید. این کتاب برای پژوهشگران مسائل تاریخ و فرهنگ بلوچستان، منبعی مهم و حائز اهمیت به شمار می‌رود.

بلوچستان و تاریخ مکران ایران ۱۹۰۶-۱۶۰۰ در کتاب جان گوردون لوریمر: شامل بخش‌های مربوط به بلوچستان در کتاب یادمانی و ارزشمند راهنمای خلیج فارس جان گوردون لوریمر دیپلمات و تاریخ‌نگار بریتانیایی است که علاوه بر تاریخ تحولات سیاسی منطقه از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا سال‌های نخستین سده بیستم (هم‌زمان با انقلاب مشروطه) به جغرافیای روستایی منطقه بلوچستان می‌پردازد و به خواننده اطلاعات ارزشمندی از وضعیت منطقه در ابتدای سده بیستم ارائه می‌دهد.

مطالعات تاریخی و مطالعات انسان‌شناختی بلوچستان: در دو مجلد زیر نظر دبیر مجموعه گردآوری شده و دربرگیرنده مهم‌ترین مقالات پژوهشی تاریخی و انسان‌شناختی طی دهه‌های گوناگون سده بیستم است که به شناخت بیشتر ما از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچستان از نگاه محققان غیر ایرانی می‌انجامد.

بلوچ و دیگران و بلوچ و همسایگان: عنوان ترجمه مقالاتی از دو کتاب در حوزه مباحث گوناگون زبان‌شناختی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای این حوزه است که در سمپوزیوم‌های زبان‌شناسی بلوچ در دانشگاه اوپسالا ارائه شده و زیر نظر خانم کارینا جهانی، اگنس کورن و پل تیتوس در دو مجلد مدون شده است.

اشعار مردمی بلوچ نوشته لانگ‌ورث دیمز: کتاب مهمی که دیمز در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را در بریتانیا منتشر کرده و حاوی منظومه‌ها و اشعار بلوچی، با توصیفی از ادبیات بلوچستان است.

کاوش در تپه بمپور: گزارش مفصلی از کاوش‌های باستان‌شناختی بناتریس دکاردی باستان‌شناس شهیر بریتانیایی در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ بلوچستان است که پس از نیم قرن ترجمه شده و در اختیار مخاطب فارسی‌زبان قرار گرفته است.

هشت گفتار در باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان: اثر دکتر سیدمنصور سیدسجادی از باستان‌شناسان فاضل و سرپرست هیئت کاوش شهر سوخته است. این کتاب در هشت فصل علاوه بر دو متن تاریخی درباره بلوچستان، به معرفی جغرافیای تاریخی منطقه از عصر باستان تا دوران اسلامی می‌پردازد و هرچند پیش‌تر منتشر شده، اما در این چاپ آخرین دستاوردها و یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی سالیان اخیر شهر سوخته در دو فصل تازه تشریح شده است.

سفرنامه‌های ایرانی:

بلوچستان در سیاحت‌نامه‌های عصر قاجار: در دو مجلد شامل سفرنامه‌های حکام و سیاستمداران ایرانی به منطقه بلوچستان است که نگاه رجال سیاسی به منطقه و سیاست‌های حکومت قاجار در قبال بلوچستان را برای خواننده ترسیم می‌کند و هم‌زمان چشم‌اندازی از وضعیت معیشتی مردم و آبادی‌های بلوچستان در عصر قاجار را ارائه می‌دهد.

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان: در سه مجلد دربرگیرنده نگاه نویسندگان و پژوهندگان، رجال فرهنگی، سیاسی و نظامی به این منطقه طی یک قرن است که از سال‌های پایانی حکومت قاجار و انقلاب مشروطه ایران آغاز می‌شود و تا دهه هشتاد خورشیدی ادامه می‌یابد.

سفرنامه‌های غیر ایرانی:

بلوچستان ناکاویده: عنوان کتابی از ارنست فلویر افسر بریتانیایی مسئول ایستگاه تلگراف جاسک است که شرح سفر او از ژانویه ۱۸۷۶ تا می ۱۸۷۷ میلادی را در بر دارد و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از اوضاع اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در سده نوزدهم است. متن اصلی نخستین بار در سال ۱۸۸۲ در لندن منتشر شده است.

سرگشته در بلوچستان: این کتاب مشاهدات ژنرال مک‌گرگور، افسر عالی‌رتبه

ارتش بریتانیا در هند، در دهه‌های پایانی سده نوزدهم در بلوچستان و تشریح سیاست‌های حکومت استعماری بریتانیا در منطقه است. سرگشته در بلوچستان نیز نخستین بار در ۱۸۸۲ انتشار یافته شده و پس از قریب به صد و چهل سال به فارسی برگردانده شده است.

بلوچستان در سفرنامه‌های خانواده سایکس: شامل شرح سه سفر از سر پرسی سایکس و سفری از اِلا سایکس در حفاصل سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۱ به بلوچستان است. سایکس یکی از مؤثرترین کارگزاران سیاسی بریتانیا در ایران آن دوران بوده است.

بلوچستان در سفرنامه‌های اروپاییان: شامل چند سفرنامه از کارگزاران، سیاحان و پژوهشگران خارجی است که حفاصل نیمه قرن نوزدهم تا دهه‌های میانی سده بیستم به بلوچستان سفر کرده‌اند و شرح سفر خود را نوشته‌اند. این مجلد شامل سفرنامه‌های کاپیتان گرانت، گاستیگر، اسکرین، گابریل و بالسان است.

اسناد:

بلوچستان در اسناد بریتانیا: گزیده اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا در دو مجلد که شامل گزارش‌های نظامی-امنیتی و سیاسی محرمانه بریتانیا در خصوص منطقه بلوچستان در سه دهه پایانی سده نوزدهم و سال‌های نخست سده بیستم است. این مجموعه علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مباحث سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه دارد، شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزه اقتصاد، کشاورزی، زندگی روستایی و وضعیت قبایل در بلوچستان است.

بلوچستان در عصر قاجار؛ گزیده جراید و مطبوعات: عنوان کتابی است شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده از خلال اهم اخبار، مقالات و یادداشت‌های مربوط به بلوچستان در مطبوعات عصر قاجار.

بلوچستان در عصر پهلوی اول؛ گزیده جراید و مطبوعات: شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده این دوران از مطبوعات عصر پهلوی اول است. **بلوچستان در اسناد آرشیو ملی:** گزیده‌ای از اسناد دوره قاجار و پهلوی درباره

بلوچستان در آرشیو ملی است که در بردارنده اسناد مرتبط با مباحث و موضوعات مندرج در همه مجلدات این مجموعه است و به عنوان منبعی دست اول برای پژوهشگران مطالعات تاریخ معاصر در حوزه بلوچستان کارکردی مهم دارد. علاوه بر مجلدهای یاد شده؛ دو کتاب قوم شناسی بلوچ شامل مجموعه مقالات مردم شناسی نوشته محمدسعید جانب الهی و مقدمه ای بر تاریخ بلوچستان اثر نویسنده نام آشنای تاریخ و فرهنگ بلوچستان محمود زند مقدم در این مجموعه گنجانده شده است.

هدف از طراحی این مجموعه و انتخاب عناوین مذکور، مرتفع ساختن فقر و خلأ منابع موثق و قابل اتکا در حوزه مطالعات بلوچستان بود؛ کاری که از عهده و توان یک موسسه خصوصی خارج است و انجام آن بسیار زمان بر. اما با این وصف به همت و مساعدت سازمان منطقه آزاد چابهار و به خصوص دکتر عبدالرحیم کردی مدیرعامل منطقه آزاد که در قالب مسئولیت اجتماعی از این طرح حمایت کرد و همچنین اهتمام و جدیت شبانه روزی و بی وقفه دبیر مجموعه و نیز تلاش پیوسته همکاران ما در موسسه آبی پارسی، تولید محتوا و آماده سازی نهایی بیست و دو عنوان کتاب مذکور در کمتر از دو سال صورت گرفته است. همچنان که صائب فرمود:

می توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر
بوی پیراهن اگر قافله سالار شود

عشق به میهن، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و تلاش برای حفظ و پاسداشت و معرفی تاریخ و موارث فرهنگی ایران زمین موجب شد تا همه سختی ها و مصائب، از گرانی مواد اولیه و هزینه های چاپ و کسادی بازار کتاب به خاطر فراگیری بیماری کرونا و سایر موانع... را پشت سر بگذاریم. سرانجام به مصداق «زهر باید خورد و انگارید قند» کاممان به خاطر به انجام رسانیدن یک «پروژه ملی» شیرین است.

یادداشت دبیر مجموعه

منابع تاریخ‌نگاری بلوچستان

منابع تاریخ‌نگاری بلوچستان محدود و درعین حال پراکنده است. با این حال اگر از دایره مراجع روایی پا را فراتر بگذاریم و مطالعات تاریخی بلوچستان را در کنکاش و جست‌وجو میان متون دیگر حوزه‌های مرتبط با تاریخ ردیابی کنیم، با مجموعه وسیعی مواجه خواهیم بود که محتوای آن به چند شاخه و گرایش تقسیم می‌شود؛ به طوری که در کتابشناسی بلوچستان^۱، بیش از سه هزار کتاب و مقاله و پایان‌نامه در زمینه‌های مختلف مطالعات تاریخ و فرهنگ بلوچ فهرست شده است.

اگر چند گرایش انسان‌شناسی، باستان‌شناسی و مطالعات زبان‌شناسی را نیز به منابع تاریخ‌نگاری بلوچستان بیفزاییم، با حجمی انبوهی از متون مواجه خواهیم بود که از خلال آن می‌توان درک عمیق‌تری از تاریخ بلوچستان به دست آورد.

باستان‌شناسی در محدوده سرزمینی که امروزه سکونتگاه و ملتجای قوم بلوچ است، گواهی می‌دهد که این سرزمین از دیرباز و در طول تاریخش زیستگاه مردمان پیشاتاریخ و فرهنگ‌های باستانی ایران بوده و به عنوان گذرگاهی میان

1. Baloch, Hameed (2006). *Balochistan Bibliography* (An exhaustive and comprehensive collection of citations on Balochistan), Sayad Hashmi Reference Library, Karachi.

افریقا و شبه‌قاره هند اهمیتی ویژه داشته است. بر این اساس آیا باستان‌شناسی با جست‌وجوی آثار و نشانه‌های دیرینگی استقرار و تمدن در جغرافیای کنونی بلوچستان، از استمرار حیات انسانی و فرهنگی در این جغرافیا حکایتی تازه نخواهد داشت؟ و آیا زبان‌شناسی از طریق مطالعات تطبیقی، ادله‌ای برای اثبات فرضیه‌های جابه‌جایی جمعیت در طول تاریخ این قوم ندارد، آنچنان که بتوان بر بسیاری از دیگر فرضیه‌های تکوین تاریخی قوم بلوچ از جمله تبار سامی آنان خط بطلان کشید؟ آیا نحوه معیشت جامعه بلوچ که در پژوهش‌های انسان‌شناختی بررسی می‌شود، اطلاعات دقیق‌تری از جغرافیای فرهنگی بلوچستان و چالش‌های قوم بلوچ در انطباق با شرایط طبیعی و تکوین فرهنگ بر مبنای اقلیم و جغرافیا به دست نمی‌دهد؟ بدیهی است که پاسخ این پرسش‌ها جملگی مثبت است.

بر این اساس علاوه بر مراجع روایی، منابع مورد استفاده در تاریخ‌نگاری قوم بلوچ را می‌توانیم به چند دسته اصلی تقسیم کنیم:

بلوچستان در آثار مستشاران و نویسندگان غربی

بلوچستان در آثار مورخان و مستشاران غربی سابقه‌ای دیرین دارد و از همان ابتدا نیز یکی از انگیزه‌های اصلی این توجه، همانا سلطه سرزمینی بوده است. چنانکه نثارخوس دریا سالار اسکندر مقدونی برای یافتن فرصت‌های استیلا بر فلات ایران از راه دریا به بلوچستان رفته و نخستین گزارش شناخته‌شده مردم‌شناسی از ساکنان شمالی دریای مکران را به ثبت رسانده است. در سده‌های بعد مارکوپولو نیز روایاتی از مکران به دست داده است. اما جای این نوع از روایات قرن‌ها خالی بود تا آنکه از قرن هجدهم در رقابت‌های سیاسی میان روس و انگلیس، مطالعات تاریخی درباره بلوچستان، با رویکردهای سیاسی و انگیزه‌های استعماری، از سر گرفته شد و ابعادی وسیع یافت. کاپتان گرانت^۱، پاتینجر^۲، سایکس^۳، اسکرین^۴

1. Captain Grant

2. Sir Henry Pottinger

3. Sir Percy Molesworth Sykes.

4. C. P. Skrine

فلویر^۱، لوریمر^۲، مک گرگور^۳ و ... تنها برخی از مستشاران اروپایی هستند که در قرن نوزدهم و دهه های نخستین قرن بیستم گزارش های تاریخی قابل توجهی درباره بلوچستان ارائه کرده اند. آثار ایشان امروزه از منابع مهم تاریخ نگاری بلوچستان به شمار می رود.

مطالعات قومی و فرهنگ شناختی بلوچستان پس از دوران استیلای سیاسی بریتانیا و حضور مستشار-محققان بریتانیایی، چه در زمینه شرح تاریخ و چه در حوزه بررسی فرهنگ تا نیمه دوم قرن بیستم، همچنان بر پژوهش های غربیان استوار بوده است. از نیمه دوم این قرن رویکردهای تازه ای در مطالعات تاریخی بلوچستان شکل گرفت و در محور آن مطالعات فرهنگ شناختی بلوچ قوت یافت. بریتانیایی ها در این زمینه پیشرو بودند و روس ها پس از آن ها بر روی تاریخ و جغرافیا و فرهنگ بلوچستان تحقیقاتی آغاز کردند. اما پژوهش های تازه با توجهی که نویسندگان امریکایی به این سرزمین نشان دادند، از کارکردهای سیاسی فراتر رفت و منزلتی فرهنگ شناختی یافت. رابرت پرسون^۴ محقق جوان امریکایی که در دهه پنجاه میلادی در کویته دار فانی را وداع گفته، از نخستین پژوهندگان نسل جدید قرن بیستم مطالعات بلوچستان بوده است. پس از او فدریک بارث^۵، نینا و وارن سویدلر^۶، برایان اسپونر^۷ و فیلیپ کارل سالزمن^۸، به ترتیب در دهه های مختلف با پژوهش های میدانی در سرزمین بلوچستان و با تمرکز بر مطالعات فرهنگ شناختی، به موضوع تاریخ و تاریخ نگاری بلوچ توجه ویژه نشان داده اند.

تحقیقات زبان شناختی در شناخت جغرافیای فرهنگی اقوام و جابه جایی های جمعیت و حرکت های تاریخی قومی و همچنین تأثیرات متقابل فرهنگی میان گروه های قومی، نقش شایان توجهی دارد و اهمیت این نوع از متون را در پژوهش های تاریخی و تاریخ نگاری قومی روشن تر می کند. در نتیجه، آثار

1. Ernest Ayscoghe Floyer

2. John Gordon Lorime

3. Charles Metcalfe MacGregor

4. Robert Niel Pehrson

5. Fredrik Barth

6. N. and W. Swidler

7. Brian J. Spooner

8. Philip Carl Salzman

زبان‌شناختی که به زبان بلوچی توجه کرده‌اند امروزه از جمله منابع مهم مطالعات تاریخی این قوم است.

زبان‌شناسی بلوچی از عصر بازی بزرگ و رقابت میان روس و انگلیس آغاز می‌شود. به همین دلیل بریتانیایی‌ها و روس‌ها در این دست از مطالعات پیشروتر از سایر محققان زبان‌شناس دیگر کشورها بوده‌اند. از آن جمله است مطالعاتی که میخائیل گریگروویچ^۱ دربارهٔ تاریخ و فرهنگ مردمان بلوچ انجام داده و یا کاری که ایلیا گِرشوویچ^۲ زبان‌شناس روس‌تبار بریتانیایی بر روی گویش بلوچی رودباری به ثمر رسانده است. اما نخستین تلاش هدفمند برای جمع‌آوری ادبیات بلوچی توسط بریتانیایی‌ها صورت گرفته است؛ ای. لوئیس^۳ در سال ۱۸۵۵ و پس از او توماس جان لی مایر^۴ با انتشار فرهنگ لغت بلوچی انگلیسی در سال ۱۹۰۰ راهگشای مسیر مطالعات زبان‌شناختی بلوچ بوده‌اند. لانگورث دیمز^۵ نیز از دههٔ آخر قرن نوزدهم تا یک دههٔ اول قرن بیستم به مطالعات زبان‌شناختی-ادبی و تاریخ بلوچستان پرداخت و با انتشار کتاب نژاد بلوچ^۶ در ۱۹۰۴ زمینهٔ مطالعات خود را به مونوگرافی قومی نیز تعمیم داد.

باستان‌شناسی و مطالعات پیشاتاریخ بلوچستان، از قرن نوزدهم و با کنجکاوی‌های مستشاران بریتانیایی دربارهٔ تمدن‌های پیشین و جمع‌آوری آثاری آغاز شده است که بدون کاوش علمی به دست می‌آمدند. آن‌ها علاوه بر انجام وظیفهٔ سیاسی خود در مسیر استیلا و مداخلات مرزی میان ایران و هند، به مطالعات زمین‌شناسی و اقلیمی و یا شناسایی و گردآوری آثار باستانی علاقه نشان داده‌اند.

بر این مبنا باستان‌شناسی در این سرزمین دو فصل متفاوت دارد؛ فصل اول به دورهٔ نفوذ و استیلای امپراطوری بریتانیا در منطقه بازمی‌گردد و شامل جمع‌آوری

1. Pikulin Mikhail Grigorievich

2. Ilya Gershewitch

3. A. Lewis

4. Thomas John Lee Mayer

5. M. Longworth Dames

6. *The Baloch Race: A Historical and Ethnological Sketch*

آثار و اشارات باستان‌شناختی است که مستشارانی همچون هنری مک‌ماهون^۱، ادوارد موکلر^۲، سِر پرسی سایکس^۳ و دیگران گرد آورده و یا نوشته‌اند و فصل دوم دربردارنده گزارش‌های علمی و مدون باستان‌شناختی بلوچستان است که از کاوش‌های سِر مارک اورل اشتاین^۴ در دهه‌های اول قرن بیستم آغاز می‌شود و با کاوش در محوطه‌های باستانی شمال و جنوب بلوچستان و کناره‌های دریای عمان ادامه می‌یابد. این باستان‌شناس مجار تبعه بریتانیا در پی اثبات رابطه میان تمدن سند و میان‌رودان بوده و مکان‌های باستانی متعددی در بلوچستان را شناسایی و به ثبت رسانده است. در دهه بیست و سی، نخستین باستان‌شناسان شرقی در کاوش‌های منطقه مشارکت کردند. از جمله باید از کاوش‌های نانی گوپال ماجومدار^۵ باستان‌شناس هندی‌تبار در دره سند یاد کرد.

با این حال در دهه چهل و سال‌های پس از جنگ که همزمان با استقلال پاکستان بود، باستان‌شناسی در این کشور تازه‌تأسیس و ایالت بلوچستان همچنان در انحصار بریتانیا قرار داشت و کاوش‌هایی در بلوچستان پاکستان و حوالی کوئته توسط باستان‌شناسانی همچون استوارت پیگوت^۶، روبرت رایکس^۷ و دیگران انجام شد.

در میان باستان‌شناسان بریتانیایی فعال در بلوچستان دهه چهل میلادی، نام بناتریس دکاردی^۸ نیز به چشم می‌خورد. او که مطالعات میدانی در بلوچستان را از این دوره آغاز کرده بود، در دهه شصت تپه بمپور را مورد کاوش قرار داد و آثاری از تمدن‌های هزاره‌های سوم پیش از میلاد به دست آورد.

در دهه شصت کاوش‌های مهم گری هیوم^۹ در لادیز بلوچستان به کشف آثاری از دوره پارینه سنگی قدیم انجامید که «لادیزی» نام گرفت و در میان آثار مکشوف این دوره در غرب آسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. علاوه بر او و در دهه هفتاد ویتا فینزی و کوپلند^{۱۰} نیز در سواحل مکران ابزارهایی از دوره پارینه سنگی یافتند.

1. Sir Vincent Arthur Henry McMahon

3. Sir Percy Sykes

5. Nani Gopal Majumdar

7. Robert L. Raikes

9. Gary. W. Hume

2. Edward Mockler

4. Sir Marc Aurel Stein

6. Stuart Piggott

8. Beatrice de Cardi

10. Vita-Finzi and Copeland

پس از بریتانیا، فرانسه و ایتالیا به کاوش‌های باستان‌شناسی در بلوچستان روی آوردند. کاوش‌های مهرگره و کشف تمدن‌هایی از هزاره‌های پیش از میلاد در حاشیه رود بولان و نیز کاوش‌های منطقه پیرک سبی و نوشهرو در بلوچستان پاکستان از جمله فعالیت‌های باستان‌شناسی فرانسویان در بلوچستان است.

دستاوردهای مهم باستان‌شناسان برجسته ایرانی نظیر سیدمنصور سیدسجادی و نسلی که پس از او در حوزه بلوچستان کاوش کردند را نیز باید به این مجموعه بیفزاییم.

اسناد خارجی درباره بلوچستان را نیز در کنار این منابع، نباید از یاد برد؛ از جمله اسناد موجود در «آرشیو بریتانیا».

مجموعه اسناد مربوط به ایران در آرشیو بریتانیا شامل صدها هزار برگ سند است. همچنین در این آرشیو مجموعه قابل‌توجه از اسناد فارسی وجود دارد که همچنان در محاق افتاده است. سهم بلوچستان از این اسناد کم نیست. به خصوص آنکه بلوچستان به‌عنوان سرزمین حائل میان منافع بریتانیا و روسیه، در دوران بازی بزرگ، بیشتر مورد توجه و تمرکز بریتانیا بوده است و دستگاه‌های امنیتی و مستشاران بلندپایه این کشور، با دقتی مثال‌زدنی به وجوه مختلف جغرافیا، تاریخ و فرهنگ بلوچستان پرداخته‌اند و مأموران خفیه‌نویس بریتانیایی درباره بلوچستان این دوران گزارش‌های قابل‌توجهی نوشته‌اند.

علاوه بر این، اسناد مراکزی همچون دفتر سوابق اداره هند^۱ در کتابخانه بریتانیا شامل بایگانی این دولت از کمپانی هند شرقی و دولت هند تا قبل از ۱۹۴۷ به این مجموعه اضافه شده است.

اسناد این مجموعه که به گواه دست‌اندرکاران آن شامل چهارده کیلومتر قفسه اعم از مجلدها، پرونده‌ها و گزارش‌ها و مقالات است، در کنار کتب منتشرشده و نسخه‌های خطی و چاپی، مجموعه‌ای بی‌نظیر از سوابق بریتانیا در شبه‌قاره هند و سرزمین‌های پیرامونی از جمله بلوچستان را در بر گرفته است.

آرشیوهای بریتانیا عموماً دموکراتیزه شده و در اختیار عموم قرار دارد؛

با این حال روشن است که در آن زمان روس‌ها نیز به این منطقه توجه داشته‌اند، اما محققان حوزه تاریخ بلوچستان با اسناد و منابع روسی کمتر آشنایی دارند. علاوه بر روسیه و بریتانیا، اسناد پرتغال را نباید از یاد برد؛ کشوری که تمامی قرن شانزدهم تا قرن اوایل قرن هفدهم مناطق مهمی از سواحل جنوب ایران از جمله بلوچستان را به اشغال خود درآورده بود. اسناد حضور پرتغال در سرزمین‌های جنوبی ایران طبقه‌بندی نشده و اطلاعاتی مشابه آنچه دربارهٔ بریتانیا در اختیار داریم، در دست نمانده است.

بلوچستان در منابع فارسی و تاریخ‌نویسان اسلامی

متون کهن فارسی همچنان مهم‌ترین منابع مطالعات دربارهٔ تاریخ بلوچ است. در ادبیات کلاسیک فارسی و در منابع تاریخ‌نویسان، پای شاهنامه فردوسی همیشه به میان آمده است. اما منابع تاریخ‌نویسان دوره اسلامی دربارهٔ بلوچستان اعم از آثار نویسندگان عرب و ایرانی، متنوع و بسیار مهم است. حدود العالم، معجم البلدان یا قوت حموی، نزهت القلوب حمدالله مستوفی، مروج الذهب مسعودی، صورة الارض ابن حوقل، تاریخ طبری محمد بن جریر طبری، البلدان احمد بن ابی یعقوب، روضه الصفای محمد بن خاوندشاه و ... از جمله آثار مهم تاریخ‌نویسان اسلامی است که در آن‌ها دربارهٔ بلوچستان شروحي آمده و بخش‌هایی از تاریخ و جغرافیا و فرهنگ این قوم روایت شده است.

در عین حال از زمانی که سنت سفرنامه‌نویسی در دورهٔ قاجار با تقلید از غرب آغاز شد، رجال قاجاری شرح سفر خود به بلوچستان را به ثبت رسانده‌اند و یا دربارهٔ آن منطقه گزارش‌های جغرافیایی نوشته‌اند. از سفرنامه‌های مهم بلوچستان در این دوران باید از سیاحت‌نامه‌های رجال سیاسی همچون خاندان فرمانفرما از نصرت‌الدوله اول تا دوم، سفرنامه حاجی خان مترجم احتشام‌الوزراء در کمیسیون مرزی بلوچستان و نیز سفرنامه علاءالملک دیبا آخرین والی کرمان در عهد قاجار یاد کرد. در میان گزارش‌های جغرافیایی مهم این دوران نیز جغرافیای بلوچستان احمدعلی وزیری و گزارش میرزا مهدی خان سرتیپ مندرج در مرآت البلدان

اعتمادالسلطنه و نیز جغرافیای بلوچستان افضل‌الملک کرمانی، در دورانی که مشغول خدمت به آصف‌الدوله والی کرمان بوده، قابل ذکر است.^۱ این مجموعه امروزه از منابع مهم مطالعات تاریخی بلوچستان به حساب می‌آید. علاوه بر این هر آنچه دربارهٔ بلوچستان در میان اسناد ملی وجود دارد و آنچه در جراید و نشریات دوران قاجار و پهلوی به بلوچستان اختصاص یافته است، از دیگر اسناد تاریخ‌نگاری بلوچستان محسوب می‌شود.

در یک سده گذشته پژوهشگران ایرانی در مطالعات تاریخی بلوچستان بسیار نقش‌آفرین بوده‌اند. نخستین بارقه‌ها و مطالعات فرهنگ‌شناسی بلوچستان توسط محققان ایرانی به دهه‌ها پیش از این تاریخ بازمی‌گردد. غیر از نسخ خطی عصر قاجار و یا گزارش‌های جغرافیایی و تاریخی، نگارنده سال‌ها پیش در کمال ناباوری نخستین نوشته قابل‌اتکا دربارهٔ فرهنگ بلوچ را در مقاله‌ای از سید حسن تقی‌زاده از رهبران انقلاب مشروطه و از رجال سیاسی تاریخ معاصر ایران یافته است. مقاله‌ای که در مقدمه کتاب قشون‌کشی به بلوچستان نوشته امان‌الله‌خان جهانبانی به چاپ رسیده؛ کتابی متعلق به ۱۳۰۸ خورشیدی که توسط کتابخانهٔ مجلس شورای ملی منتشر شده است. در دورهٔ رضاشاه علاوه بر جهانبانی، گزارش‌های دو افسر ارشد ارتش شاهنشاهی، سید فرج‌الله فروود و سرلشکر محمود امین، دربارهٔ طوایف بلوچ به‌خصوص در منطقه سرحد، جایگاهی درخور و شایسته توجه دارد. اثر دیگر جهانبانی در دههٔ سی نیز با عنوان سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن، در شناسایی و پراکندگی طوایف و جغرافیای فرهنگی بلوچ بسیار حائز اهمیت است. اما از دههٔ چهل خورشیدی است که گزارش‌های پیوسته قوم‌شناسی بلوچ همراه با مطالعات تاریخی توسط محققین ایرانی آغاز می‌شود. در دو دههٔ اخیر در میان نویسندگان ایرانی که خود از تبار قوم بلوچ هستند نیز محققانی در زمینهٔ تاریخ بلوچستان دست به قلم برده‌اند. همچنین در طی هفتاد سال گذشته نوشته‌های نویسندگان بلوچ در پاکستان همچون آثار سید ظهورشاه هاشمی، میرگل‌خان نصیر، انعام‌الحق کوثر، خدابخش مری، حمیده کهورو و

۱. لازم به ذکر است افضل‌الملک این رساله را تحت تأثیر رسالهٔ مهدی‌خان سرتیپ نوشته و بخش‌هایی از رسالهٔ او را بدون ذکر مأخذ نقل کرده است.

... که به زبان اردو در حوزه تاریخ بلوچ قلم زده‌اند، حائز اهمیت بوده است. هرچند در آثار برخی از آنان نشانه‌هایی از قوم‌مداری^۱ و سوگیری دیده می‌شود.

نهادهای توسعه و برنامه‌ریزی و مطالعات ایرانی بلوچستان

مهم‌ترین نقش نهادی در تحقیقات قومی در ایران را سازمان برنامه و بودجه بر عهده داشته است. این سازمان در سال ۱۳۲۷ تأسیس شد و عملاً در دوران تصدی‌گری ابوالحسن ابتهاج از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ ماهیتی متفاوت گرفت و به مهم‌ترین نهاد برنامه‌ریزی و مدیریت کشور بدل گشت.

در سال ۱۳۳۶ به دعوت ابوالحسن ابتهاج چهره جدیدی به این سازمان پیوست که روند تحقیقات توسعه در آن را دگرگون کرد. او خداداد فرمانفرمایان اقتصاددان برجسته ایرانی بود که سرپرستی دفتر اقتصادی سازمان برنامه را بر عهده داشت و مدتی بعد معاون اقتصادی برنامه و بودجه شد و بعدها کرسی ریاست این سازمان را نیز به دست آورد. در دوران تصدی او بر دفتر اقتصادی سازمان برنامه، رویکرد برنامه‌ریزی عمران و آبادانی، به سوی توسعه پایدار و توجه به تبعات اجتماعی و فرهنگی طرح‌های توسعه سوق یافت و با بررسی نواقص برنامه دوم توسعه و طرح‌های به اجرا درآمده در حفاصل دهه سی تا ابتدای دهه چهل، نقش نادیده گرفتن رویکردهای اجتماعی توسعه مورد آسیب‌شناسی قرار گرفت. به این ترتیب به مسئله تبعات اجتماعی و فرهنگی طرح‌های عمرانی کشور توجه تازه‌ای نشان داده شد. مدیران شاخص سازمان برنامه در دوره‌های مختلف پس از ابتهاج همچون محمدعلی صفی‌اصفیا، محمد مهدی سمیعی و خداداد فرمانفرمایان هر یک در تداوم چنین رویکردی نقشی مهم ایفا کرده‌اند. در نتیجه این رویکرد بسیاری از محققان علوم اجتماعی به این سازمان پیوستند. در برنامه سوم و چهارم توسعه یعنی حفاصل ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ بازتاب این رویکرد تازه در مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قابل ملاحظه است و دوران شکوفایی توسعه در ایران بر همین مبنا رقم خورده است.

در طی چند دهه فعالیت این نهاد، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان ایرانی در کنار متخصصان اقتصاد، برنامه‌ریزی و توسعه، سهم مهمی در مطالعات توسعه پایدار داشتند. در کنار این مجموعه، گزارش‌های نهادها و سازمان‌های مشاور غیرایرانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این نهادها که توسط سازمان برنامه و بودجه دعوت به کار می‌شدند، در طول چند دهه در بلوچستان مشغول به مطالعات توسعه بودند. از آن جمله است گزارش‌های شرکت ایتال کنسولت که حدود دو دهه در سیستان و بلوچستان مشغول مطالعات و برنامه‌ریزی توسعه بود و با انقلاب اسلامی، ایران را برای همیشه ترک کرد.

نتایج مجموعه این روندها در شکوفایی اقتصادی و توسعه ناگهانی بسیاری از مناطق ایران در دهه‌های چهل و پنجاه بازتاب یافت. به این ترتیب زمینه شناخت تاریخی اقوام در موضوع مطالعات توسعه مورد توجه نخبگان قرار گرفت و شرط لازم و ضروری طرح‌های توسعه شد.

کتابی که پیش روی شماست ازجمله جزوات مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان وابسته به سازمان برنامه و بودجه در دهه پنجاه خورشیدی است که ریاست وقت آن را محقق نام‌آشنای فرهنگ بلوچستان دکتر محمود زند مقدم بر عهده داشته است.

در این مرکز و در دوران تصدی و زیر نظر او گزارش‌های مهمی در قالب جزواتی سازمانی درباره بلوچستان منتشر شده است. از آن جمله است مطالعات وسیع این مرکز درباره ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی طایفه مبارکی و نیز بررسی جغرافیای فرهنگی این طایفه در مناطقی ازجمله اسپکه، هیچان، عیسی‌آباد، زین‌الدینی و چانف که در دهه پنجاه در جزواتی مستقل و در قالب نشریات داخلی سازمان منتشر شد. درآمدی بر تاریخ بلوچستان نیز ازجمله این جزوات است که به‌عنوان نشریه شماره پانزدهم این مرکز در شهریورماه هزاروسیصد و پنجاه و پنج منتشر شده و اینک پس از قریب به نیم قرن در دسترس عموم مخاطبان قرار گرفته است.

نثر این کتاب معرف شیوه نگارش و زبان و بیان متفاوت محمود زند مقدم است که کلمات را به خدمت می‌گیرد تا نثری شاعرانه و روایتی خواندنی به دست دهد. پیش‌تر در اثر ماندگار او حکایت بلوچ این شیوه نگارش منعکس شده بود؛ نثر و زبانی که روش تک‌نگاری در مردم‌شناسی قومی ایران را در دوران پس از خود تحت تأثیر قرار داد و در برخی متون اتنوگرافی درباره اقوام ایرانی انعکاس یافت.^۱

همین شیوه در نگارش درآمدی بر تاریخ بلوچستان به کار رفته و از تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین قصه‌ای خواندنی ساخته است. در نتیجه این کتاب را بیش از آنکه بخواهیم به عنوان منبع و مرجع تاریخ‌نگاری قوم بلوچ مورد توجه قرار دهیم، باید به آن به چشم روایتی گیرا از تاریخ این سرزمین و مردمانش نگریست و فقدان ارجاعات دقیق تاریخی و یا پرهیز از شرح و بسط رویدادها را به پای این رویکرد نگارش گذاشت. در عین حال باید در نظر داشت که منابع تاریخ‌نگاری قومی در طی چند دهه گذشته با توسعه فن‌آوری‌های دیجیتال، گسترش چشم‌گیری یافته و بسیاری از آرشیوها و مطالعات انجام شده درباره تاریخ و فرهنگ قوم بلوچ در دسترس عموم محققان قرار گرفته است. بدیهی است که این موقعیت با شرایطی که برای تدوین این دفتر در دهه پنجاه مهیا بوده، قابل قیاس نیست. در عین حال این کتاب را باید مقدمه‌ای بر پژوهش‌های میدانی گروهی قلمداد کرد که زیر نظر دکتر محمود زند مقدم در مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان به امر پژوهش اشتغال داشتند. اما در بخش دوم کتاب که با عنوان «حاصل نگاه» تفکیک شده است، رویکرد روایی تاریخ‌کنار می‌رود و بررسی و تحلیل چند موضوع برآمده از روایت تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ موضوعاتی که هویت تاریخی قوم بلوچ را متأثر کرده است. این موضوعات عبارتند از: «مهاجرت»، «مناطق اسکان و راه‌ها» و «غارت».

محمود زند مقدم هرچند فروتنانه این بخش را «فتح بابی برای پژوهش بیشتر» قلمداد کرده، اما متن این بخش حاوی نکاتی بدیع درباره شکل‌گیری

۱. انتشار مجلد نخست این اثر در فضای جامعه کتابخوان ایرانی بسیار مورد توجه قرار گرفت و در اوایل دهه هفتاد با یادداشتی که شاهرخ مسکوب در مجله کلک بر حکایت بلوچ نوشت، در افواه روشنفکری ایران محبوب شد.

هویت تاریخی و فرهنگی قوم بلوچ است. در بخش نخست، او کنش جمعی مهاجرت را در ادوار و انواع مختلف کوچ بلوچ تقسیم‌بندی کرده و عوامل کوچ و تبعات آن در زیست تاریخی و فرهنگی این قوم را برشمرده است. با همین رویکرد مناطق اسکان و راه‌های ارتباطی تاریخی قوم بلوچ مورد بررسی قرار گرفته و از متون تاریخی و یا سفرنامه‌های اروپایی اظهاراتی نقل شده است. این نقل‌قول‌ها در بخش سوم تحلیل تاریخی این کتاب که با عنوان «غارث» مطرح شده، سهم بیشتری از سایر بخش‌ها دارد و او با رجوع به منابع مختلف تاریخی به‌خصوص سفرنامه‌های اروپاییان به آن خطه ازجمله نوشته‌های کرزن، پاتینجر و سایکس، نگاهی از بیرون به یکی از کنش‌های جمعی و تاریخی قوم بلوچ انداخته و مفهوم غارت را در گذر انگیزه‌ها، زمینه‌ها و شکل‌ها و تأثیرات آن مورد واکاوی قرار داده است.

انتشار این کتاب در مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی هم‌زمان که نمونه‌ای از تلاش‌های تاریخ‌نگاری درباره قوم بلوچ در دهه پنجاه را منعکس می‌کند، فرصت مغتنمی برای ادای دین به محمود زند مقدم نیز هست؛ کسی که سهمی بسزا در شناخت قوم بلوچ نزد دیگر ایرانیان ایفا کرده و در جای‌جای بلوچستان نام نیکی از خود به یادگار گذاشته است.

از او که با سخاوت و مهربانی، جزوات مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان را در اختیارم قرار داد و با انتشار این کتب در مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی موافقت کرد، بسیار سپاسگزارم. برایش عمری بلند و پربرآرزو دارم.

محسن شهرنازدار

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست؟

به جای مقدمه

نخستین سفرم به بلوچستان سال چهل و دو بود. نه تنها نخستین سفر به بلوچستان بلکه آخرین سفر به سرنوشتم بود و بلوچستان شد سرنوشتم. از آن روزگاران تا این لحظه که قلم می‌زنم، در خواب و بیداری، در عمق خیال چشمانم همواره شکل و شمایلی از بلوچستان بوده است... در اواخر دهه پنجاه دیدم در دفتر برنامه و بودجه کتاب یا روایتی از بلوچستان نیست. بر آن شدم که این کاستی را جبران کنم. دفترهایی که یادگار آن سفر بود را دانه‌دانه ورق زدم، جمع‌وجور کردم و این وجیزه را به قلم آوردم و سپردم به تاریخ. تا روزی که اجازه می‌داد قلم زدم و نوشتم. منشی دفتر تایپ می‌کرد. نسخه تایپ‌شده را می‌گرفتم بلندبلند می‌خواندم تا ضرباهنگ سفر صدا کند و طنین بیندازد در دانه‌دانه واژه‌ها و مجموع آن‌ها نغمه‌ای شود و زمینه‌ای بدهد و شکلی باشد در تاریکی صحراها و کویرها و به کار آید آیندگان را.

محمود زند مقدم

بهار ۱۴۰۰

درآمد

شناخت هیچ پدیده‌ای - به‌ویژه در همه ابعادش - شدنی نیست مگر آنکه آن را در روند تاریخی‌اش مورد مطالعه قرار دهیم؛ یعنی در زادنش، زیستش و مرگش. این واضح است و درست هم هست. شناخت درست جامعه نیز ناگزیر از به دیده گرفتن همین بایستگی‌ها است. برش عرضی از اکنون یک جامعه البته شناختی به ما خواهد داد، اما شناختی که ناکامل است و همه‌جانبه نیست؛ شناختی است که نتوانسته است پدیده را در همه ابعادش، ریشه‌هایش و روند زندگی‌اش ببیند و به ما نشان دهد. پس بُرشی از طول ضروری است. از سرحد عدم تا اقلیم وجود^۱ پژوهش درباره جامعه بلوچستان در کل و اجزای این کل یعنی عشایر آن نیز بدون بررسی تاریخ و فرهنگ این جامعه ناشدنی است. داستان کوچ این قوم یا قوم‌ها به این منطقه - چه از سر اجبار و چه به اختیار - داستان پیکارهای آنان با دشمنانشان، با طبیعت سرسخت برای آسان کردن یا ممکن ساختن زیست، داستان یورش‌هایشان به همسایگان توانگرتر و چپو^۲ به خاطر خست طبیعت، داستان آنچه که در این فروافتادن‌ها و برخاستن‌ها، در این پیکارها و یورش‌ها به‌عنوان راهگشایی‌های یک جامعه پدیدار شده و استوار گشته است و در ذهنشان و در هویتشان رسوب کرده است و ما به‌طور کلی به آن «فرهنگ» می‌گوییم، این همه، این داستان‌ها شنیدنی‌اند و دانستنیان بایسته هر پژوهشگری است.

۱. حافظ می‌فرماید: رهرو منزل عشقیم و ز سرحد عدم تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم.

۲. چپاول

بدین گونه از شناسایی تاریخ و فرهنگ بلوچان گریزی نیست، اما چگونه؟ از کجا باید آغاز کرد؟ از شناخت و بررسی آنچه بر این قوم در گذشته‌ها گذشته است. این بررسی از دو راه شدنی است: از خواندن تاریخ نوشته و از خواندن تاریخ نانوشته یعنی باستان‌شناسی. باستان‌شناسی روشی است که دانش امروز در اختیار ما نهاده است؛ روشی بسیار سودمند و یاری‌دهنده به شناخت گذشته و فرهنگ یک جامعه. اما این هر چه هست تاریخ نیست، گرچه یاور آن است و پرتوافشان به آن. وجود تاریخ نشانه‌ای است از وجود مرحله‌ای بسیار بااهمیت در هستی و حیات یک جامعه؛ نشانه‌ای که نشان می‌دهد جامعه توانسته به مرحله خودآگاهی گام گذارد، به مفاهیم مجرد دست یابد و تاریخ خویش را بنگارد، از نوبه خویش بنگرد و درباره خویش داوری کند. این داوری هر چه هست درست یا نادرست. خودقابلی بر رسیدن است و موضوع اصلی پژوهش. نفس این داوری و هستی آن نشانه آن است که جامعه دوران پیش از تاریخ خود را پشت سر نهاده، به مفاهیم آهنجیده دست یافته و به خودآگاهی رسیده است. یعنی به مرحله‌ای که نخست جامعه توانسته باشد چیزی برای نوشتن داشته باشد، یگانگی یافته و یکدست شده باشد، به وحدت سیاسی رسیده باشد و به‌طورکلی توانسته باشد در ساختن «دولت» کامیاب شود، و سپس توانایی آن را یافته باشد که زندگی خویش را به‌عنوان یک واقعیت بیرونی در برابر خویش بنهد، بشناسد و بنگارد.

در دوران پیش از تاریخ، تاریخ هر جامعه همان شعرهایش، باورهایش و اساطیر اوست. جامعه هنوز نتوانسته است میان خیال و واقعیت، میان آنچه آرزومند آن است و آنچه در عمل وجود دارد مرزی مشخص ترسیم کند. این دوران، دوران افسانه‌ها و اساطیر است و از تاریخ جامعه در کورسوی هوای مه‌آلود افسانه‌ها و تخیلات جز نوری بسیار اندک و تنگ‌مایه چیزی هویدا نیست. لیک آنچه گفتنی است این است که تاریخ بلوچستان چیزی جدا از تاریخ ایران نیست. گرچه اگر از پیشرفت معین اجتماعی و فرهنگی برخوردار می‌بود می‌توانست تاریخ نوسانی را خود به‌طور مستقل در دامان خویش بپرورد که از سرگذشت مردم این سامان روشنایی‌های بیشتری بر دوران ما بتاباند، اما چنین

نشده است. برای شناختن گذشته بلوچستان -بنابراین- ما بیش از دو منبع اصلی در اختیار نداریم: یکی آنچه دیگران دربارهٔ بلوچان گفته‌اند چه ایرانی و چه بیگانه و دیگر آنچه بلوچان دربارهٔ گذشتهٔ خویش می‌گویند، که نه اولی از مهر و کین و بیشتر کین- پالوده است و نه دومی از بافته‌های افسانه‌ای -که گاه حتی نشانه‌هایی از توتیمیزم در خود دارند- مبرا.

نوشته‌های نخست سرشار هستند از کشمکش غارت که گرچه از راستی‌هایی خالی نیستند اما از روحیهٔ تعصب‌آمیز ضدبلوچ نیز بی‌نصیب نمانده‌اند و داستان‌های منقول خود بلوچان نیز در چنان فضای ابرآلودی از واقعیت و خیال و افسانه و تاریخ زاده شده‌اند، رشد کرده‌اند و سینه‌به‌سینه از نسل‌ها گذشته‌اند که جدایی‌پندار از واقعیت گاه ناشدنی می‌ماند. ما به ناچار بر هر دو تکیه کرده‌ایم و از هر دو مدد خواسته‌ایم، لیک خردگرا و محتاط.

بدین‌گونه، نوشتن تاریخ یا تحلیل تاریخ سرزمینی گسترده با طایفه‌ها و تیره‌های گونه‌گون و پراکنده که پیوسته از دو عامل اساسی تاریخ‌ساز یعنی از وحدت و از قدرت که هر دو در رابطه‌ای ناگسستنی با یکدیگر هستند دور و محروم بوده‌اند کاری آسان نیست؛ به‌ویژه با وجود فرهنگ خاصی که خود تا حد بسیار معلول و گاه علت- چنین شرایطی بوده است و نه تنها با دانش‌ها بلکه اغلب از مفاهیم زمان و فضا نیز بیگانه بوده است.

ما در این دفتر به تحلیل برخوردها و نقل و حدیث غارت‌ها و علل و انگیزه‌های آن بیشتر پرداخته‌ایم، چراکه این برگردان دائمی هر نوشته‌ای یا اشاره‌ای به بلوچستان و بلوچان بوده است. اما کوشیده‌ایم که دیدگاه ما نه اثرپذیر از کینه‌ورزی‌ها شود و نه گرفتار عطف‌ها و دلسوزی‌هایی که در شأن هیچ ملتی نیست. البته بی‌طرف هم نبوده‌ایم. خواسته‌ایم تحلیل کنیم این را که اگر به راستی غارت جزئی از زندگی و خوی‌گری‌های بلوچ بوده است در تبیین علل آن تا چه اندازه گوهر و بایستگی‌های زندگی ایلی دست‌اندرکار بوده‌اند، تا چه حد خست و بی‌رحمی طبیعت و تا کجا بیداد و فشار همسایگان بلوچ. دیدن زندگی بلوچ و تلاش‌های دائمی‌اش فقط برای زنده ماندن و زیستن هر چند کوتاه با او و

شنیدن سخنان و گلایه‌هایش و اینکه طبیعت چه بی‌مهر بوده است با او، مجموعاً احساس همدردی بسیار در پژوهشگر پدیدار می‌سازد و هشدار است به او که بر احترامش به بلوچ بیفزاید و ژرف‌تر به او و به فرهنگ او و به پیکارهای بی‌امان و بی‌سودش با طبیعت بنگرد.

لازم به یادآوری است آقای رضا دانشور برخی نقل‌ها و روایت‌های تاریخی درباره قوم بلوچ را گرد آورده‌اند و در شکل‌گیری این دفتر سهمی داشته‌اند.

محمود زند مقدم

مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان - ۱۳۵۵